

کارکردهای هنری تمثیل در غزل معاصر (موردکاوی: غزلیات امید مجد)

کامران کسایی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۸، صص ۳۰۸-۲۹۳

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8078>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: تمثیل بعنوان آرایه‌ای بلاغی از دیرباز در شعر و ادب فارسی مورد استفاده قرار گرفته است. این شگرد زیبایی بلاغی در جهت انتقال مفاهیم ذهنی و احساس و عواطف شاعران بمخاطبان بسیار کارآمد و مؤثر بوده است و در شعر معاصر بویژه غزل نیز میتوان نمونه‌های بسیار قابل توجهی از این آرایه را مشاهده نمود. غزلیات امید مجد، یکی از جمله این غزلیات معاصر است که توانمندی شاعر در خلق تصاویر، حاصل توجه به معانی تازه و اقناع مخاطب در کنار بهره‌گیری از زبان رسا در استفاده از تمثیل و تصویرسازیهای حاصل از آن است. هدف پژوهش پیش رو آن است که نشان دهیم این شاعر توانمند چگونه از رهگذر تمثیل به خلق تصویر و گسترش دامنه خیال مبادرت نموده است.

روش مطالعه: روش مطالعه در این پژوهش بشیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و سندکاوی در دو دفتر «یادگار بهار» و «همراه باران» از مجموعه غزلیات امید مجد است.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان میدهد که مجد، از تمثیل نه صرفاً بعنوان آرایه‌ای بلاغی، بلکه بعنوان ساز و کاری معنابخش و تصویرساز بهره میگیرد؛ ساز و کاری که بکمک آن، تصویرها تقویت شده و حالات عاشقانه را به زیبایی توصیف مینماید.

نتایج پژوهش: دقت و توجه مجد در بکار بردن تمثیل سبب افزایش ظرفیت بلاغی غزلهای وی و خلق معانی تازه در زبان شعری وی شده است که نشان از ذهن ادبی و سطح دانش بالای شاعر دارد. وی با لحن استوار و در عین حال زبانی ساده و سنجیده، تمثیل را در خدمت اقناع مخاطب، انتقال تدریجی معنا و برجسته‌سازی تصاویر شعری مورد استفاده قرار داده است و بر اساس نتایج بدست آمده مشخص میشود که بیشترین استفاده وی از تشبیه تمثیل در کلام است.

تاریخ دریافت: ۱۰ مهر ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۱۲ آبان ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۲۸ آبان ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۱ دی ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

امید مجد، غزل معاصر، تمثیل، تصویرسازی، بلاغت.

* نویسنده مسئول:

kamran.kasaei@pnu.ac.ir

(۹۸۲۱+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The Artistic Functions of Allegory in Contemporary Ghazals
(A Case Study of Omid Majd's Ghazals)

K. Kasaei

Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 02 October 2025
Reviewed: 03 November 2025
Revised: 19 November 2025
Accepted: 01 January 2026

KEYWORDS

Omid Majd. Contemporary ghazal.
Allegory. Imagery. Rhetoric.

*Corresponding Author

✉ kamran.kasaei@pnu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Allegory has been used as a rhetorical device in Persian poetry and literature since ancient times. This beautiful rhetorical technique has been very efficient and effective in conveying the mental concepts and feelings and emotions of poets to their audience, and in contemporary poetry, especially ghazals, very notable examples of this device can be seen. Omid Majd's Ghazals are one of these contemporary Ghazals, in which the poet's ability to create images, new meanings, and convince the audience, along with the use of expressive language, is reflected in the use of allegory and the resulting imagery. The aim of the present study is to show how the capable poet has attempted to create images and expand the scope of imagination through allegory.

METHODOLOGY: The study method in this study is descriptive-analytical based on library studies and documentary research from two volumes of Omid Majd's ghazals, "Yadgar Bahar" and "Hamra Baran".

FINDINGS: The research findings show that Majd uses allegory not only as a rhetorical device, but also as a meaningful and image-creating mechanism. A mechanism with the help of which images are strengthened and romantic moods are described beautifully.

CONCLUSION: Majd's accuracy and attention in using allegory has increased the rhetorical capacity of his ghazals and created new meanings in his poetic language, which indicates the poet's literary mind and high level of knowledge. With a firm tone and at the same time simple and deliberate language, he has used allegory to convince the audience, gradually convey meaning, and highlight poetic images, and his most frequent use of allegory in the text is metaphor.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8078>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 0	 0

مقدمه

تمثیل که با اسامی دیگری چون «استدلال»، «استعاره تمثیلیه»، «مجاز مرکب بالاستعاره» و «تشبیه تمثیل» در کتب بلاغی مورد توجه قرار گرفته است، از گذشته تاکنون در شعر فارسی مطرح بوده است. این شگرد ادبی که یکی از فنون بلاغی است، بجهت انتقال مفاهیم انتزاعی و ذهنی که شاعران مدتظر داشته‌اند کاربرد داشته و بسیار مؤثر بوده است. «در میان آثار بلاغی، یکی از قدیمیترین مواردی که از مفهوم تمثیل یاد کرده است بدون آنکه به نام آن اشاره نماید، نقد الشعر قدامه بن جعفر است که تمثیل را از جمله اوصاف ائتلاف لفظ و معنی قرار داده است: و هو ان یرید الشاعر اشاره الی معنی فیصنع کلاماً یدل علی معنی آخر و ذلک المعنی الآخر و الکلام ینبشان عما أراد أن یشیر الیه» (مرتضایی، ۱۳۹۰: ص ۳۰؛ قدامه بن جعفر، ۱۴۰۰: ص ۱۶۱). تمثیل از دیرباز تاکنون مورد توجه بسیاری از بلاغیون و خطیبان بوده است تا جاییکه ارسطو در کتاب «رتوریک»^۱ تمثیل را از ابزارهای اصلی در دست خطیب بمنظور اقناع مخاطب دانسته و معتقد است خطیب با شواهد و مثالهای تاریخی و مثل باید به استدلال در کلام مبادرت ورزد تا بتواند مخاطب خویش را قانع نماید و او را به عمل تهییج کند (ر.ک فتوحی، ۱۳۸۶: ص ۲۴۹). غزل فارسی در گستره هزارساله خود همواره بر شانه‌های سنتهای ریشه‌دار بلاغی و تصویرپردازی استوار بوده است. یکی از مهمترین این سنتها، تمثیل‌پردازی است؛ شگردی که شاعران بزرگی چون سنایی، سعدی، حافظ، خاقانی و دیگر پیشینیان با آن، مفاهیم اخلاقی، عرفانی، عاطفی و حکمی را در قالب صورتهایی عینی و داستانونار بیان کرده‌اند. تمثیل در شعر کلاسیک فارسی نه تنها ابزار زیبایی‌شناسی، بلکه راهی برای انتقال حکمت، ایجاد تعادل میان تجربه فردی و معنای جمعی و پل زدن میان جهان محسوس و معقول بوده است. در غزل معاصر نیز، با وجود تغییرات ساختاری و نگرشهای نو، بسیاری از غزلسرایان همچنان به این میراث تصویری وفادار مانده‌اند و با الهام از شیوه‌های تمثیلی گذشتگان، کوشیده‌اند روح تازه‌ای در این شگرد دیرپا بدمند. نقد اجتماعی، تجربه‌های وجودی، عشق‌ورزی مدرن و حتی دغدغه هویت در غزل امروز، غالباً در قالب تمثیلهایی برآمده از سنت کلاسیک بازآفریده میشود؛ تمثیلهایی که ریشه در جهان معنایی پیشینیان دارد اما با زبان، لحن و حساسیت شاعر امروز پیوند خورده است. پژوهش حاضر با توجه به چنین پیوستگی تاریخی، بر آن است تا نحوه استمرار تمثیلهای کلاسیک را در غزل معاصر بررسی کند و نشان دهد که شاعر امروز چگونه از الگوهای دیرینه تمثیل‌پردازی بهره میگیرد؛ گاه با تکرار همان الگوها برای حفظ شیوایی و آشنایی و گاه با بازخوانی و بازآفرینی آنها برای بیان مفاهیم نو. این مقاله میکوشد نشان دهد که تمثیل در غزل معاصر نه پدیده‌ای منقطع و مستقل، بلکه امتداد سنتی است که ریشه در میراث بلاغی شاعران پیشین دارد و همچنان در ساخت هویت غزل امروز نقشی بنیادین ایفا میکند.

بیان مسأله

آرایه تمثیل یکی از آرایه‌های مورد توجه امید مجد است که غزلیات او در میان خیل غزلسرایان معاصر بلحاظ سادگی زبان، پایبندی به اسلوب شعری و ظرائف هنری در کلام در طول دو دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است. مجد در غزلیات خود عناصری چون فرم، خیال، مضمون، زبان، ساختار و محتوا را بخوبی در کنار هم مورد توجه قرار داده است؛ بهره‌گیری از این عناصر در کنار آرایه‌های بلاغی چون تمثیل، بشیوه‌ای برجسته سبب میشود خواننده با مکث، مرور و نگاه عمیق به خوانش شعر بپردازد. مجد ضمن رعایت ظرفیتها و ویژگیهای اصلی و بنیادین شعری کلاسیک و ارزشهای آن، غزلیات خود را با ترفندهای هنری زبانی امروزی و ظرائف بسیار آراسته است. وی

^۱. Rhetoric

در غزلیات خود نوآوریها و شگردهایی بکار گرفته است که نه تنها اشعار او را از سایر غزلسرایان سنتی ممتاز و متمایز کرده، بلکه بدلیل بهره‌گیری از شگردهای زبانی، ساختاری چند لایه در غزل بدست میدهد که از رهگذر آرایه‌های بلاغی چون تمثیل، ضمن توسعه معنایی و خیال‌انگیز کردن کلام، بخوبی قادر است مضمون ذهنی را عینیت ببخشد. مجد با آگاهی از اعجاز آرایه‌ای چون تمثیل، در عین سادگی و روانی و وصف ناشدنی زبان، توانسته است به توصیف معشوق در غزل بپردازد. این جستار در پی پاسخ به این پرسشهاست که ضرورت و فلسفه بیان تمثیلی در غزل معاصر چیست؟ رمز و راز بهره‌گیری و تأثیرگذاری این آرایه ادبی در چیست و چرا شاعر سعی میکند واقعیتها را بصورت غیر مستقیم و تمثیلی بیان کند؟ ابهامات و سؤالاتی از این دست تدوین چنین پژوهشی را اقتضا نموده است. در پاسخ باید این نکته را ذکر نمود که در غزل گاه مصلحت زیبایی‌شناسانه کلام در آن است که معنی با عدم تصریح قرین شود و بسیاری از رازهای عاشقانه در قالب تمثیل نهان گردد و بهره‌گیری مجد از گزاره‌های تشبیه تمثیل در قالب تشبیه امری معقول و ذهنی به امر محسوس و عینی قابل توجه است.

هدف پژوهش

شیوه شاعری امید مجد برای آفرینش تصاویر دلنشین و جادوی سخن، استفاده از آرایه‌های ادبی است که در ساختار تصویری آن تشبیه، کاربرد قابل توجهی دارد. تشبیهات زیبا و به تبع آن تمثیل، سروده‌های این شاعر را می‌آریند و حائز اهمیت هستند. این تمثیلهای در قالب تصاویری پویا به خواننده عرضه میگردند. احساس و عاطفه بسیار قوی و پررنگ شاعر ساختار این تمثیلهای خیال‌انگیز را دوست داشتند و تأثیرگذار مینمایند و سبب خلق تصاویری گیرا میشود. عشق، اندوه، غربت و فراق حاصل از آن بعنوان عنصری ثابت و پایدار زیرساخت اندیشه شاعر را در غزلیات او فرا گرفته و گویی این درون‌مایه‌ها در بدنه تمامی تصاویر جریان دارد و در شکل‌گیری تار و پود کلام نقش اساسی بر عهده دارد. مجد، نگارنده عشق است و ناگزیر شعرش به رنگ عشق در می‌آید از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی تمثیل در غزلیات امید مجد و تحلیل و واکاوی آنهاست.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با وجود آنکه شاخصه‌ها و ویژگیهای سبک شخصی غزلیات مجد در اشعارش قابل مشاهده است و در تصویر قدرتمند و استوار ظاهر شده است، اما تاکنون پژوهش مستقل و علمی از نظر مسائل بیانی و تصویرسازی بر روی غزلیات این شاعر معاصر صورت نگرفته است. از این رو بررسی و کشف جنبه‌های زیبایی‌آفرین و خیال‌انگیزی کلام وی سبب میشود که ضمن توجه به سرمایه‌های ادبی معاصر - با برداشتن تمرکز صرف مطالعاتی از شعر کلاسیک - توانمندی این قبیل شاعران را در حیطه‌های علوم ادبی و شعرشناسی بخوبی مورد نقد و ارزیابی قرار دهیم و سبب آشنایی پژوهشگران و دانشجویان با جایگاه ادبی شاعران معاصر و روشن شدن نقش آنان در پهنه وسیع ادبیات فارسی بویژه شعر و غزل شویم.

پیشینه پژوهش

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد در خصوص اشعار امید مجد یک پژوهش علمی با عنوان «ظرافها و شگفتیهای هنری در تصویرسازی غزل معاصر بر پایه تداعی تصویر: با تکیه بر دفتر همراه باران: غزلیات مجد» توسط محمودی (۱۴۰۱) چاپ و منتشر شده است که نویسنده ضمن پرداختن به مسأله تولید و تکثر معنا، بر اساس غزلیات مجد در دفتر باران، به بحث ظرافتهای بلاغی و خلق معانی تازه در این مجموعه پرداخته است و بجز این پژوهش، جستار علمی دیگری در مورد غزلیات ایشان صورت نپذیرفته است. اما در خصوص پیشینه تمثیل و شگردهای

تمثیل پردازی در ادب فارسی نیز میتوان به برخی از پژوهشهای علمی منتشر شده تاکنون اشاره نمود از جمله: در کتاب «صور خیال در شعر فارسی» شفیع کدکنی نویسنده بصورت مفصل در باب تمثیل به بحث و بررسی پرداخته است. شفیع کدکنی در این کتاب، تمثیل را با اسلوب معادله یکی دانسته است. در کتاب «رمز و داستان‌های رمزی» پورنامداریان به مبحث تمثیل و انواع آن توجه نموده و در بخش «مثل و تمثیل» انواع تمثیل را تحلیل کرده است. در خصوص تمثیل در شعر معاصر تنها در برخی از آثاری که به نقد و تحلیل اشعار شاعران نوپرداز اختصاص دارد، میتوان نکاتی یافت؛ بعنوان نمونه در کتاب «اندیشه و هنر در شعر نیما» از ثروتیان در بخشی با عنوان «راز و رمز جانوران در شعر نیما» مطالبی پیرامون تمثیل پردازی در شعر نو وجود دارد. در کتاب «داستان دگر دیسی: روند دگرگونیهای شعر نیما یوشیج» از حمیدیان، مؤلف در قسمتی از کتاب با عنوان «نیما و تمثیل» افسانه‌های تمثیلی را در شعر نیما را تحلیل کرده است. شامیان ساوکلایی در رساله دکتری خود که با عنوان «آینه معنی: تمثیل در بلاغت فارسی و عربی» نیز به چاپ رسیده است بدلائل استفاده انواع تمثیل در جریان شعر معاصر (سنتی و آزاد) در فاصله سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ پرداخته است. این رساله بعدها در قالب کتابی ارزنده به طبع رسیده است.

نیز از مهمترین و معتبرترین مقالاتی که در حوزه تمثیل منتشر شده است میتوان به موارد زیر بخت پیشینه پژوهش اشاره کرد:

در مقاله «تمثیل: ماهیت، اقسام، کارکرد» از فتوحی (۱۳۸۴) نگارنده تعاریفی که بلاغیان قدیم و نیز جدید از تمثیل بیان نموده‌اند را مورد واکاوی قرار داده است و با تمرکز بر تفاوت میان تمثیل با نماد و استعاره، حیطه تمثیل را مشخص کرده است. رحیمی و محمدزاده (۱۳۸۹) در مقاله «اهداف و ابزارهای کاربرد تمثیل در دیوان خاقانی» اشعار خاقانی را بلحاظ توجه شاعر به تمثیل و کاربرد اهداف و اغراض خاقانی از پرداختن به تمثیل تحلیل کرده‌اند. مشهدی و حیدری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «کاربردهای تمثیل در اشعار ناصر خسرو قبادیانی» نتیجه گرفته‌اند که ناصر خسرو بجهت محسوس ساختن امور انتزاعی و عقلانی که بر مبنای بینش مذهبی او شکل گرفته از تمثیل بخوبی استفاده نموده است. فلاحی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی مصادیق زبان تمثیل در غزلیات حافظ» توانمندیهای زبانی حافظ در خلق تمثیل را مورد بحث و بررسی قرار داده و نتیجه گرفته‌اند که دو رکن اساسی زبان تمثیلی حافظ، تلمیح و طنزهای ظریف در کلام وی میباشد. صیدی (۱۴۰۳) در مقاله «بررسی تطبیق تمثیل در قطعات ابن یمین فریومدی و غزل تمثیلهای آرش آذربیک» به اهمیت قالب قطعه و توانمندی آن در ارائه تمثیل پرداخته و نتیجه گرفته است که ابن یمین بعنوان یکی از شاعران گذشته ادبیات فارسی و آرش آذربیک از غزلسرایان معاصر، هر دو از تمثیل در قالب قطعه بجهت گسترش ساختار روایی شعر بهره گرفته‌اند.

روش مطالعه

بلحاظ شیوه مطالعه و روش‌شناسی در این جستار، از دفتر «یادگار بهار» و «همراه باران» دیوان غزلیات امید مجد تعداد یکصد غزل انتخاب نموده‌ایم و بروش توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و سندکاوی با بهره‌گیری از اهم کتب بلاغی شواهد تمثیل در غزلیات مجد را استخراج نموده‌ایم و بر اساس حجم و گنجایی این مقاله، به برخی از شواهد مثال و تحلیل آن پرداخته‌ایم.

بحث و بررسی

تمثیل یکی از بنیادین‌ترین شگردهای تصویرسازی در سنت بلاغی فارسی است که از خلال آن شاعر مفهومی ذهنی یا انتزاعی را در قالب روایتی محسوس، عینی و مجسم بیان می‌کند. در علوم بلاغی، تمثیل پلی است میان «معلوم»

و «نامعلوم»؛ یعنی شاعر امر پیچیده، عاطفی یا فلسفی را در قالب تصویری ساده‌تر و آشناتر می‌نشانند تا پذیرش آن برای مخاطب آسان‌تر گردد. از دوران قدیم تا معاصر، تمثیل همواره دو کارکرد اصلی داشته است: نخست، تصویرسازی و ایجاد تخیل فعال و دوم، اقناع ذهنی و عاطفی مخاطب از طریق تشبیه گسترده، روایت کوتاه، یا شکل‌گیری صحنه‌ای نمادین. در ادبیات فارسی تمثیل با مقاصد و اهداف گوناگونی مورد توجه شاعران، هنرمندان و نویسندگان قرار گرفته است. تمثیل، گاه برای تشویق و ترغیب، گاه برای هشدار و تحذیر یا انتقال مفاهیم تعلیمی و آموزه‌های معرفتی در بافتی روایی و تصویری با هدف تأثیرگذاری عمیق بر مخاطب بکار گرفته می‌شوند. با ورود شعر فارسی به دوره معاصر، بسیاری از کارکردهای سنتی تمثیل دستخوش دگرگونی شد. در غزل کلاسیک، تمثیل عمدتاً بر محور عشق عرفانی، حکمت اخلاقی و روابط سنتی عاشق و معشوق شکل می‌گرفت. اما در غزل معاصر، تمثیل به ابزاری برای بیان تجربه‌های شخصی و عاطفی بدل شده است. شاعر معاصر تمثیل را نه صرفاً برای زینت کلام، بلکه برای بازآفرینی جهان ذهنی خود و ایجاد «جهان دوم شعر» به کار می‌گیرد؛ جهانی که در آن معنا از طریق لایه‌های پی‌درپی تصویر شکل می‌گیرد.

تمثیل

«تمثیل در لغت بمعنی مثل آوردن و تشبیه آوردن است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه). علمای بلاغت به تأثیر بسیار زیاد تمثیل در ابلاغ پیام به مخاطب همنظر هستند و معتقدند که تمثیل، نیروی کلام را بالا برده و بر جذب قلوب تأثیر زیادی دارد. ارسطو نیز مثال داستانی را یکی از ابزارهای خطیب برای اقناع می‌شمارد» (کهدوی و دیگران، ۱۳۹۸: ص ۱۶۷). شاید بتوان تعریف سکاکی از تمثیل را کاملترین تعریف دانست که می‌گوید: «اگر در تشبیه وجه، صفتی غیر حقیقی باشد و از امور مختلف انتزاع شده باشد، تمثیل خوانده می‌شود. «خطیب قزوینی می‌گوید: [تمثیل] تشبیهی است که وجه شبه در آن امری منتزاع از امور عدیده باشد؛ یا نباشد. صاحب انوارالربیع می‌گوید: تشبیه حالی است به حالی از رهگذر کنایه» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: صص ۷۸ - ۸۲). در تعریف دیگری در خصوص تمثیل آمده است: «تمثیل یکی از روشهای بیان غیر مستقیم معانی و اندیشه‌های شاعر یا نویسنده است. تمثیل میتواند شکلی کوتاه یا گسترده داشته باشد؛ چنانکه گاه به یک یا دو بیت یا چند جمله محدود شود» (شامیان ساروکلاهی، ۱۳۹۲: ص ۱۴). گسترده‌ترین نظریه درباره بلاغت و علم بیان را عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ هـ. ق) نظریه‌پرداز بزرگ بلاغت اسلامی و صاحب دو کتاب «دلایل العجاز» و «اسرارالبلاغه» مطرح نموده است. عبدالقاهر، اساس علم بیان را بر تشبیه، تمثیل و استعاره میدانند و در باب تمثیل نظریات قابل توجهی بیان داشته است. جرجانی تمثیل را شاخه‌ای از تشبیه میدانند و در کتاب «اسرارالبلاغه» ضمن بحث پیرامون تشبیه آن را به دو گونه عام تقسیم میکند شامل تشبیه تمثیلی و تشبیه غیر تمثیلی. «در توضیح ویژگیها و تفاوت این دو نوع، مهمترین مسأله‌ای که عبدالقاهر به آن توجه میکند، وجه شبه است. در تشبیه غیر تمثیلی، وجه شبه اصلی و حقیقی است و درک مشابهت نیازمند تأویل نیست، اما در تشبیه تمثیلی، درک شباهت طرفین تشبیه نیاز به تأویل دارد زیرا وجه شبه در این نوع عقلی و آن هم عقلی غیر حقیقی است. بعبارتی در تشبیه تمثیلی، وجه شبه طرفین تشبیه اصلی و حقیقی نیست یعنی در ذات آنها چنین شباهتی ممکن نیست» (همان: صص ۲۹ - ۳۰). از میان کتب بلاغت فارسی در کتاب «ترجمان البلاغه» اثر محمد بن عمر رادویانی و کتاب «حدائق السحر فی دقائق الشعر» از رشیدالدین وطواط بحثی از تمثیل نشده است اما در کتاب «المعجم فی معاییر اشعار العجم» تمثیل شاخه‌ای استعاره به حساب آمده است (ر.ک شمس قیس رازی، ۱۳۹۴: ص ۳۶۵). از دیدگاه زرین کوب «تمثیل تصویری حسی است که می‌باید امری را که غیر حسی است برای مخاطب به امر حسی نزدیک و قابل ادراک نماید

و شک نیست که جز این تصویر، هرگز یک جزء از امر غیر محسوس را عرضه نمیکنند، فقط کل آن است که از مجموع امر، منظور تصویری کلی القا میکنند» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ص ۲۵۱؛ ساکی انتظامی، ۱۳۹۹: ص ۵). عبدالقاهر جرجانی تمثیل را نوعی تشبیه مرکب میداند که با کمک آن، شاعر مطلب مورد نظر خود را با نمونه‌ای محسوس و از پیش اثبات شده مورد توجه قرار داده و به خوانندگان منتقل میکند. در حقیقت وی در تمثیل مطلب مورد نظر شاعر را (مشبه) فرض نموده و نمونه‌ای که ذکر می‌گردد را (مشبه به) (ر.ک جرجانی، ۱۳۷۴: ص ۱۷۱) به دیگر سخن هرگاه برای شفاف ساختن و روشن نمودن مطلبی انتزاعی، عقلانی یا پیچیده آن را به موضوع ساده‌تری تشبیه کنیم یا جهت تأکید یا اثبات موضوع و مدعای انتزاعی و ذهنی، شاهدی بیاوریم آرایه مورد نظر تمثیل است (ر.ک شیری، ۱۳۸۲: ص ۳۶).

تحلیل داده‌ها

تشبیه تمثیل و تمثیلهای نیمه فشرده: یکی از اصیلترین اهداف بکار بردن تمثیل در غزلیات مجد، تجسم بخشی و تصویرسازی است. «آن دسته از تمثیلهایی که ساختار روایتی کامل ندارند و طرح داستانی آنها از یک پی‌رفت کامل که ترکیبی از تعادل و گذار باشد، تشکیل نشده است و صرفاً مجموعه‌ای از تصویرهای کوتاه و ایستا را بصورت توصیفی بنمایش می‌گذارند از نوع تمثیلهای تصویری هستند. اسلوب معادله که همان تمثیل آوری - البته با یک تفاوت ظریف و جزئی - در سبک هندی است نیز نوعی تمثیل تصویری در حوزه شعر است. این خصوصیت که بتعبیر آن دوره مدعا مثل خواننده میشود است، براحتی میتواند در این دسته قرار بگیرد؛ چون در این شیوه از بیان شعری، شاعر پس از طرح یک اندیشه یا مفهوم ذهنی، مثالی از اشیاء و افراد و طبیعت می‌آورد تا سخن خود را از طریق مقایسه و مثال به اثبات برساند» (شیری، ۱۳۸۹: ص ۵۱). در غزل مجد، تصویرسازیهای شعر، گاه حاصل و تمثیل ارتباط تناظری بین تصویر و معناست. برای شروع به تصویر تمثیلی و معنای حاصل از آن در این بیت توجه مینماییم:

امید ندارد دگر امید رهایی آهو چه کند چو به کف شیر در افتاد
(مجد، ۱۳۸۶: ص ۸۱)

تجسم سازی و نیز تصویرگری در این بیت، با کمک برقراری رابطه تناظری میان ناتوانی عاشق و قدرت معشوق در مقام تمثیلی از آهو در کف شیر به زیبایی بیان شده است. شاعر دلالت معنایی را بکمک این تمثیل چنان تصویر کشیده است که مخاطب بصورت کامل اقناع شود و به یاری آن، لذت حاصل از فهم این ادراک نیز بخواننده منتقل گردد در حقیقت میتوان بیت را به تابلو نقاشی تصویر کرد که شاعر با قلم وی کلمات و در پس آرایه‌ای چون تشبیه این تصویر را خلق نموده و بصورت هرچه رساتر و با نگاهی واقع‌گرا، متناسب با فضای غزل که شکایت از ناتوانی در برابر معشوق است، ارائه شده است:

زان دم که بر آن تازه جوانم نظر افتاد دل زیر و زبر گشت و ز خود بیخبر افتاد
چون آتش تقدیر از آن چهره برافروخت صد سوز جهانسوز مرا بر جگر افتاد
وین عقل که پنداشته بود کاخ نشین است چون خاک نشینان بکف رهگذر افتاد
(همان)

تمثیل در بیت یاد شده، چاشنی عاطفی قوی و زیبایی به شعر داده است و در راستای هماهنگی و ارتباط با بافت معنایی شعر که شکایت از معشوق جفاکار و خونریز است، مورد توجه قرار گرفته؛ مجد در این غزل در محور عمودی شعر ترک‌تازیهای معشوق بر جان و روح خویش را دستمایه شکوه‌ای عتاب‌آلود کرده است:

چون کشتی طوفان زده زیر و زبرم کرد
هر پاره آن تخته به سمتی دگر افتاد
(همان)

در بیتی که مدعای تمثیل است تصویر به کف افتادن آهو در چنگال شیر در حقیقت تلاش شاعر بجهت محسوس کردن امر معقول است که از اصول تشبیه تمثیل بحساب می‌آید (ر.ک شفیع‌کدکنی، ۱۳۸۳: ص ۸۲). یکی از ویژگی‌های بارز غزلیات مجد، سادگی و در عین حال چند وجهی بودن کلام، تصاویر و معناست. زبان مجد را میتوان زبان هنری و تصویرساز بشمار آورد. «زبانی که بنوعی با اعتلای تصاویر بیانی و بدیعی در تداعی معنا میکوشد و از این حیث شبکه‌های تداعی و خوشه‌های خیال می‌آفریند» (محمودی، ۱۴۰۱: ص ۲۷۱). درست بدلیل همین ویژگی است که میل به محسوس ساختن اوصاف عشق و عاشقی سبب تناسب و قرینه‌سازی در شعر مجد مورد توجه شاعر قرار گرفته است:

گفتمش چون عهد بستی نقض این پیمان مکن
گفت بیت عنکبوت است و گرفتارم نکرد
(مجد، ۱۳۸۶: ص ۸۶)

در بررسی این بیت بخوبی در می‌یابیم که ذوق شاعر، بر اساس تناسبهای لفظی و اشاره به سست بودن عهد معشوق در مقام تمثیل به بیت (خانه) عنکبوت که تارهای لرزانی دارد، اشاره نموده و فشرده‌گی تصویر در این تمثیل مشهود است. این نوع از تمثیل با فشرده‌گی و ایجاز هرچه تمامتر میان معنای دو مصراع برقرار میشود و به شاعر مجال میدهد که بار معنایی بسیاری را در کمترین الفاظ بیان نماید:

میگفت که این وصل نیرزد بجداپی
هر گل که چمن داد گرفتار خزان بود
(همان: ص ۹۶)

تمثیلهای موجود در غزلیات مجد، بیشتر از نوع تشبیه تمثیل است. «تشبیه تمثیل از گونه‌های خاص تشبیه است. تشبیه تمثیل از فروع بحث تشبیه و از گونه‌های خاص تشبیه مرکب است و مانند سایر گونه‌های تشبیه، کوششی است برای تبیین جوانب یک حکم کلی یا مسأله معقول که با کمک مشبه به مرکب، قابلیت تبدیل به تصویر را دارد. تشبیه تمثیل را تشبیهی دانسته‌اند که وجه شبه، قابل تأویل باشد و آن وجه شبه، به سمت محسوس میل کند و در آن برای مشبه معقول {حکم کلی} نیز، نیز زمینه‌های سیر به محسوس شدن را فراهم آورد به زبان ساده میتوان گفت تشبیه تمثیل، یکی از هنریترین راهها برای تشریح افکار، آرمانها، احکام کلی، ذهنیات و مافی الضمیر شاعر به زبان قابل درک مردم عادی است» (فارسی و صادقی نژاد، ۱۴۰۰: ص ۹۴). در حقیقت در تشبیه تمثیل، با دو قطب یا موازنه‌ای دوسویه مواجه هستیم که در قطب نخست ادعایی مطرح میشود که یا چندان قابل درک و پذیرفتنی نیست و یا عقلانی و انتزاعی است، سپس شاعر در مصراع دوم در برابر این قطب، از تجربیات محسوس و قابل درک بهره میگیرد:

به چه تشبیه کنم حالت دل را از سوز
که حقیر است به چشم مثل داغ کباب
(مجد، ۱۳۸۶: ص ۲۵)

مجد در بیت فوق از تمثیل جهت اقناع مخاطب و توصیف حالات عاشقی شاعر بهره گرفته است؛ تمثیل دیگر در این زمینه نیز قابل تأمل است:

از خویش براندیم و عجب نیست که صیاد
هرگز پی قربانی لاغر نگرفته است
(همان: ص ۳۷)

در این بیت با تمثیلی مواجه هستیم که با حسن تحلیلی بسیار زیبا به خیال انگیز ساختن هرچه بیشتر کلام کمک کرده است. از سوی دیگر مصرعها مستقل نیستند و وجود رابطه نحوی میان دو مصرع کاملاً مشهود است و بنوعی تمثیل نیمه فشرده در کنار حسن تحلیلی که علت رفتن و رویگردانی معشوق از عاشق سرگشته را بیان میکند (قربانی لاغر) به زیبایی بیان شده است. تبادل قربانی (صید) با معنای تیردان و کمان‌دان نیز قابل تعمق است. مجد در اینگونه تمثیلهای، که عموماً میتوان آنها را تمثیلهای نیمه فشرده دانست، بخش وسیعی از فرایند تصویرسازی و آفرینش معنا را بر رابطه دستوری قیدها، حروف اضافه و... می‌اندازد. گاه ساختار معنایی این تمثیلهای، تناسب، وجه شباهت و تطابق میان آنچه که هست با مدعای شاعر، تصویری از حکمت عامیانه است که در خدمت اقناع مخاطب به زیبایی بکار گرفته شده است، مثل «طلبکار شدن فقیری که به او ترحم میشود»:

گر مرا دوست نداری ز ره لطف نواز
چون ترحم به فقیری که طلبکار شده است
(همان: ص ۴۰)

در این بیت شاعر بدنبال آن است که ضمن توصیف موقعیت خویش در مقابل معشوق، مخاطب را غرق لذتی کند که محصول کشف رابطه منطقی میان دو مصرع است؛ بدیگر سخن شاعر قصد دارد از ابزار تمثیل برای تفهیم موقعیت خویش و درد و رنج عاشقی بهره ببرد و بدنبال آن خواننده را در موضع همراهی با خود با بهره‌گیری از تمثیل عامیانه و قابل درک قرار دهد. در غزلیات مجد میتوان به نمونه‌هایی از اسلوب معادله نیز توجه نمود. «اسلوب معادله ساختار مخصوص نحوی است. اسلوب معادله این است که دو مصرع کاملاً از لحاظ نحوی مستقل باشند. هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری آنها را حتی معنأً [نه فقط بلحاظ نحو] بهم مرتبط نکند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ص ۶۳). در این قبیل از تشبیهات شاعر بجهت ایجاد رابطه‌ای منطقی میان مدعا و بخش دوم یعنی مثال، از عهد ذهنی مخاطب، ارجاعات زبانی یا سایر شگردهای بلاغی و هنری کمک میگیرد تا بمخاطب خویش بفهماند که بین دو سوی گزاره، گرچه رابطه‌ای دستوری وجود ندارد اما از نظر منطقی مثال یکدیگرند:

تیغ بی‌صبری گلوی مرغ رازم را برید
تنگ طاقت بشکند چون خاره آید در میان
(مجد، ۱۳۸۶: ص ۱۸۱)

شیری در توصیف دلایل کاربرد تمثیل میگوید: «تمثیل، دلالت بر وجود اندیشه و تفکر منظم و کامل و کمال یافته دارد. معمولاً کسانی که در حوزه مسائل گوناگون اجتماعی، احساسی یا اعتقادی، حرفهای زیادی برای گفتن دارند از تمثیل استفاده میکنند. علاوه بر این، تمثیل از کمال یافتگی قدرت تخیل و درون‌نگری نویسنده نیز حکایت میکند چرا که آفرینش تمامی جوانب و اجزای یک تمثیل، نیاز به تعمق‌ورزی بیشتر و تفکر طولانیتر دارد» (شیری، ۱۳۸۹: ص ۳۷). تمثیل، روایتی از خود واقعیت نیست، بلکه نمونه همسان با آن است. واقعیت‌های تمثیلی غالباً مدل‌واره‌هایی از واقعیت‌های محسوس و عینی هستند. مجد در تمثیلهای خود بنوعی به تمثیل توسل میجوید تا استنادات روایی، عینی و یا خاطره‌ای از شور و حال عاشقی را برای مخاطب بازگو نماید و با چیدن برهان منطقی و صغری و کبری و استدلالگری خواننده را قانع مینماید:

ورنه تیری که رفت ناید باز
روح چون رفت، رفته است از تن
(مجد، ۱۳۹۹: ص ۶۷)

تجسم‌بخشی و تصویرسازی در این بیت بکمک تمثیل کاملاً مشهود است. شاعر قصد دارد جفای معشوق و رفتن او را در تمثیلی از رفتن و جدا شدن روح از بدن با اشاره به مضمون ضرب‌المثل در «تیری که رفت ناید باز» مورد

توجه قرار دهد. مجد در بیت مزبور، تصویر ذهنی خویش از فراق معشوق را با تمثیل آشکار کرده است. او در محور عمودی شعر حضور رقیب را چون زغن در کنار سیمرغ معشوق توصیف میکند و میگوید:

تا که از راه رسید مرغی شوم همه افکار او پلید و عفن
دلبرم را ربود با جادو درس میداد او به اهریمن
شستشو داد مغز او را نیز بود سیمرغ و گشت یار زغن
گوهری بود پر بها و درشت که فلک داشت روی پرویزن
آوخ افتاد در لجنزاران گرچه ارزید او به صد معدن
(همان: ۶۶)

شاعر در فراق معشوق و شکوه بخاطر از دست دادن او در انتهای غزل احساس خویش را از این ماجرا توصیف میکند و میگوید که دیگر امیدی برای بدست آوردن مهر و محبت دوباره یار ندارد:

خویش را میفریبم از این راه وین تمائیل هست حيله و فن
(همان)

در ادامه تمثیل رفتن روح از تن را برای جدایی خویش از معشوق، بزبایی بیان میکند. شاعر در بیتی دیگر نیز از تمثیلی زیبا استفاده میکند؛ در غزلی با مطلع:

دوش دلدار مرا طعنه بزند پنهانی که ترا یار نوی هست مگر تهرانی؟
(همان: ص ۸۵)

در ادامه میگوید:

یاد داری که ز نامحرمی دختر بخت داشت نوروز تو با روز دهم همسانی؟
(همان)

شاعر در این بیت تیره‌روزی خود را با روز دهم (عاشورا) همسان داشته و تشبیهی تمثیلی را مورد توجه قرار داده است که در آن روز خوش و ایام شادکامی بودن در کنار معشوق (نوروز) به سر رسیده و به شام تیره و روز دهم (عاشورا) مانند شده است. روز دهم تمثیلی از اوج اندوه و غم در فرهنگ مسلمانان و شیعیان است و در مقابل نوروز یا نخستین روز بهار، تمثیلی از شادی، خرمی و سرور بحساب می‌آید.

گزاره‌های تشبیهی معقول به محسوس

از جمله شیوه‌های برجسته تصویرسازی در شعر فارسی، تمثیلی است که بر پایه تشبیه امر معقول به محسوس شکل گرفته باشد. در این شگرد بلاغی، شاعر ابتدا اندیشه‌هایی مانند تأملات فلسفی، حالات روحی، عواطف درونی مانند عشق، اندوه، غم یا شادی را مطرح میکند و سپس با ارجاع به پدیده‌ای عینی و محسوس، آن مفهوم معقول را ادراک‌پذیر مینماید. در این نوع تمثیل، بلاغت کلام از سطح یک تشبیه ساده فراتر رفته و بدلیل امتداد معنایی میان دو مصرع و پاره شعر، ساختاری تأویلی نیز میپذیرد. در چنین شرایطی، تشبیه دیگر صرفاً نقش آرایه‌ای تزئینی را بر عهده ندارد بلکه کارکردی معناساز و تفسیرکننده را ایفا میکند و امر معقول را شرح و بسط میدهد. چنانکه گفتیم یکی از اصلیت‌ترین شگردهای تمثیل‌پردازی بهره‌گیری شاعر از گزاره‌های معقول به محسوس است. پورنامداریان در تعریف این نوع تمثیل میگوید: «مثال کردن چیزی و یا اشاره کردن به یک واقعیت تاریخی، داستانی و قرآنی و یا بهره‌گیری از تشبیهی که رابطه‌ای معقول به محسوس میان گزاره‌های آن وجود دارد. این

صنعت بگونه‌ای است که شاعر در یک بیت یا در یک مصراع یک مثل می‌آورد و یا تشبیهی معقول را مطرح میکند و سپس برای بیان مطلب، گزاره‌ای محسوس را مورد توجه قرار میدهد» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ص ۱۱۱). ساز و کار تشبیه معقول به محسوس، ساز و کاری است که در آن شاعر برای ادراک پذیر کردن امری انتزاعی، ذهنی یا عقلی آن را در هیأت امور محسوس عینی و ملموس ارائه میکند. در این نوع از تشبیه، مشابه غالباً امری انتزاعی و یا حالاتی عاطفی هستند که به امری محسوس تشبیه میشوند و بستر شکل‌گیری تشبیه تمثیل را فراهم می‌آورند. یکی از شیوه‌های شگرفی که مجد در خلق و ایجاد تشبیه تمثیل دارد، بهره‌گیری از همین گزاره‌هاست. او با تصویرآفرینی و تجسم، یک امر خیالی و ذهنی را بزبیبایی عینی میکند و غزل خویش را از بُعد انتزاعی به بُعد محسوس میرساند و از این طریق میان مصرعها، پیوندی از نوع شباهت یا اثبات دعوی خلق میکند؛ در تمامی ابیاتی که در ادامه خواهد آمد، مصرع اول گزاره‌ای انتزاعی و معقول و مصرع دوم گزاره عینی و محسوس خواهد بود.

به چه تشبیه کنم حالت دل را از سوز
که حقیر است به چشم مثل داغ کباب
(مجد، ۱۳۸۶: ص ۲۵)

در این بیت داغ کباب تمثیلی است برای سوز و گداز دل که در مصرع نخست آمده است. تمثیل برخاسته از تشبیه معقول به محسوس، صرفاً یک همانندسازی ساده نیست، بلکه فرایندی بلاغی است که طی آن، شاعر میان دو ساحت ناهمگون رابطه‌ای نظام‌مند برقرار می‌سازد.

گفتمش آتش هجران به دلم هیچ متاب
گفت ناخالصی از کوره برون خواهد شد
(همان: ص ۲۹)

تمثیل بیرون جهیدن ناخالصی از کوزه برای عاشق هجران کشیده‌ای که از دیدگاه معشوق هنوز در عاشقی خام است نیز نوعی تشبیه تمثیل معقول به محسوس است. نمونه‌ای دیگر:

عشق ما بود همیشه بدل ما پنهان
چون نهان در صدفی تنگ همیشه گهراست
(همان: ص ۴۲)

تمثیل گوهر در صدف تصویری محسوس برای امری معقول است که در مصرع اول آمده است؛ عشقی که در دل شاعر نهان است (امر ذهنی) به گوهر در صدف (امر عینی) تشبیه شده است.

ناجوانمرد بود و افسونگر
همچو افسانه‌های قوم سبا
(مجد، ۱۳۹۹: ص ۱۳)

این بیت تمثیل قوم سبا برای ناجوانمردی و افسونگری یار میتواند تمثیلی بسیار زیبا باشد.

قصه طبع من و شأن تو باشد به مثل
همچو موری که ملخ سوی سلیمان افکند
(همان: ص ۳۱)

تمثیل مور که نزد سلیمان ملخی را پیشکش کرد در بیان تواضع و فروتنی عاشق در برابر معشوق در این بیت حاصل تشبیهی معقول به محسوس است. دامنه این تشبیهات تمثیلی گاه به خلق تصاویری بدیع می‌انجامد تا جایی که شاعر با نیم‌نگاهی به مولانا احوال عاشقی خویش را چنین توصیف میکند:

وین عقل که پنداشته بود کاخ نشین است چون خاک نشینان به کف رهگذر افتاد
چون کشتی طوفان زده زیر و زبرم کرد هر پاره آن تخته به سمتی دگر افتاد
(مجد، ۱۳۸۶: ص ۶۴)

زند موجی بر آن کشتی که تخته تخته بشکافد که هر تخته فرو ریزد ز گردشهای گوناگون
(مولانا، ۱۳۸۰: ۱۸۵)

گرچه شدت از هم گسیختگی که مجد برای حالات عاشقانه خود ذکر میکند بگونه‌ای است که او وجود خود را تخته متلاشی میدانند که هر پاره آن در دریای عشق به سمتی افتاده است.

میگفت که این وصل نیرزد به جدایی هر گل که چمن داد گرفتار خزان بود
(مجد، ۱۳۸۶: ص ۹۶)

شاعر در این بیت، مصرع اول امری معقول یعنی هجران و جدایی را مورد توجه قرار داده است و در مصرع دوم جهت محسوس ساختن آن این امر انتزاعی را به خزان گل و چمن تشبیه نموده است و به این ترتیب در قالب یک تشبیه تمثیلی از نوع تشبیه معقول به محسوس درد هجران را به زیبایی توصیف نموده است.

امید از این تازه غزلها نبری سود گویا که حنای تو ندارد بر او رنگ
(همان: ص ۱۴۳)

از این بیت شاعر بی تأثیری استعاره عاشقانه خود بر معشوق سنگدل را به حنای بی‌رنگ تشبیه نموده است. این بیت نیز از نمونه‌های بسیار زیبای تشبیه تمثیل در غزلیات مجد است.

ار لب شیرین خود مهمان گفتارم کنی چون که نوروز است دستی سوی شیرینی برم
(همان: ص ۱۶۰)

در این بیت نیز تمثیل لب شیرین یار و گفتار او و شیرینی که در نوروز کام مهمان را شیرین میسازد بسیار هنرمندانه مورد توجه شاعر قرار گرفته است. نمونه‌های دیگر از این نوع تشبیهات معقول به محسوس:

مانده او در این زمان نیست چون میر به موضع بخارا
(مجد، ۱۳۹۹: ص ۹)

در این بیت شاعر به کمک تمثیل، بیمانندی معشوق را مورد توجه قرار داده است.

بود یک نقش سرد بر کاغذ چون یخی در میانه سرما
(همان: ص ۱۲)

مجد در توصیف معشوقی که دیگر در نظر شاعر زیبا و فریبا نیست، از این تمثیل بهره جسته و در مصراع اول امری معقول یعنی تصویر یار را به نقشی سرد بر کاغذ تشبیه کرده است و پس از آن در مصرع دوم، تمثیل یخ در میانه سرما را بعنوان تصویری محسوس و قابل لمس آورده است.

آموختم از تو درس عشق و رادی سرمست کننده‌تر ز هر آب عنب
(همان: ص ۱۸)

در این مثال، در مقام تمثیل درس عشقس که عاشق در جوار معشوق آموخته است به مستی عنب و شراب ناب تشبیه شده است.

با این همه شیرینی گفتار عجب نیست گر قند نشابور خریدار تو باشد
(همان: ص ۲۸)

در این نمونه نیز در مصرع اول شیرینی کلام و گفتار معشوق مورد توجه قرار گرفته است و در مصرع دوم با تشبیه محسوس این شیرینی به قند نشابور (اشاره به خود شاعر نیز میتواند باشد در مقام استعاره) امر معقول، محسوس شده است. این ابیات نمونه‌هایی از تشبیهات تمثیلی در دیوان غزلیات امید مجد بود که علاوه بر کمک به تصویرآفرینی در شعر وی، در بسیاری از موارد سبب توسعه هنری معنا نیز شده است.

نتیجه‌گیری و پایان بحث

در غزلیات امید مجد، تمثیل غالباً کارکردی چندگانه دارد: هم تصویرسازی میکند، هم احساس را شدت میبخشد، هم اندیشه را منتقل میسازد. او با آفرینش صحنه‌های تمثیلی، عشق را از حالت وصف مستقیم خارج کرده و در بستر تصویرهای مجسم مینشانند؛ گویی تمثیل، زبان دوم شاعر است. در این چارچوب، تحلیل تمثیل در غزلیات مجد نیازمند توجه به «گفتمان عاطفی» اوست؛ زیرا شاعر از طریق تمثیل، تجربه‌های زیسته عشق، دل‌تنگی، اضطراب، و اشتیاق را به صورت داستانها یا تصاویر کوچک بیان میکند. این رویکرد، شعر مجد را به بخشی مهم از جریان غزل معاصر پیوند میدهد و نشان میدهد که چگونه تمثیل در شعر امروز، نقش هویتی و سبکی دارد. نتایج حاصل از پژوهش نشان میدهد که تمثیل بعنوان آرایه‌ای بلاغی که شاعر بجهت اثبات و یا قبولاندن مفاهیم ذهنی و احساسی خویش به مخاطب مورد استفاده قرار میدهد در غزلیات مجد بیشتر در قالب تشبیه تمثیل بکار رفته است و مجد پیام تمثیل را بصورت کاملاً غیر مستقیم و پنهان بیشتر بجهت توصیف حالات روحی و عواطف خویش نسبت به معشوق به مقتضای حال و احوال شاعرانه خویش بکار گرفته است. با توجه به آنچه که از شگردهای تمثیل پردازی مجد در غزلیات وی میتوان دریافت کرد باید بگوییم که در تشبیهات تمثیلی وی معمولاً مشابه امری معقول و عموماً در ارتباط با خشم یا عتاب و فراق معشوق است و برای اثبات آن مشابه بهی مرکب و محسوس ذکر شده است. با توجه به شواهد مثال ذکر شده در مقاله و سایر نمونه‌های احصا شده که در گنجایی این مقال نبود، ذهن و زبان مجد، ذهن و زبانی تصویرساز و مفهوم‌ساز است که گاه با شبکه‌ای پیچیده از تداعی تصاویر و گاه به روشنی و صراحت بجهت آرایش کلام و انتقال معنا از تشبیه تمثیل بیشتر بهره گرفته است. اما در خصوص نوآوری در کاربرد این نوع از تمثیل باید گفت شیوه مجد همان شیوه قدما و پیشینیان است که ذهن آشنای مخاطب ادبی با آن خو گرفته است و ماهیتاً تفاوتی با تمثیلهای پیشینیان ندارد و خلاقیت شاعر در بهره‌گیری از زبان امروزی در کنار تصاویر کهن و پرمایه گذشتگان است. نیز بررسی تمثیل در غزلیات مجد نشان میدهد تشبیه معقول به محسوس در دیوان غزلیات این شاعر معاصر شگردی بلاغی و تصویرساز است که با عینیت‌بخشی به مفاهیم ذهنی، امکان انتقال معنا را از سطح انتزاع بسطح تجربه حسی فراهم می‌آورد و بدین وسیله تأثیرگذاری شعر را افزایش میدهد. در شعر مجد کاربرد گسترده و آگاهانه این شیوه به انسجام معنایی غزلها کمک کرده است.

تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میداند مراتب تشکر خود را از مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نماید.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی وی میباشد و نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارد. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی

اجرا شده و هیچ‌تخلّف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدۀ نویسندهٔ مسئول است و وی مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرد.

REFERENCES

- Pournamdarian. Taghi (1996). *Riddles and Riddle Stories in Persian Literature*. Tehran: Scientific and Cultural, p. 111.
- Jorjani. Abdolqaher (1995). *The Secrets of Rhetoric*. Translated by Jalil Tajlil. Tehran: Morvarid.
- Dehkhoda. Ali Akbar (1994). *Dictionary*. Tehran: Tehran University Press.
- Zarrin Koob. Abdolhossein (1999). *The Sea in the Jar*. Eighth edition. Tehran: Elmi, p. 251.
- Saki Entezami. Saeedeh and others (2010). "The Extent and Diversity of Allegory in Attar's Tragedy". *Specialized Monthly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab)*. Year 13. Issue 11. Series 57. pp. 1-25.
- Shamian Sarokalaei. Akbar (2013). "The Mirror of Meaning: Allegory in Persian and Arabic Rhetoric". Tehran: Elmi and Farhangi [Electronic version of the book in the bookshelf reader]. pp. 14-29-30.
- Shafie Kadkani. Mohammad Reza (2004). *Imagination in Persian Poetry*. 9th edition. Tehran: Aghah, pp. 78-82.
- Shams Qais Razi (2015). *Al-Mu'jam fi Ma'ayir al-A'shaar al-Ajam*. Tehran: Zahna'Aviz, p. 365.
- Shiri. Ghahreman (2010). "A New Image of Allegory and Its Functions and Types". *Kavashnameh Scientific and Research Quarterly*. Year 11. Issue 11 (20). pp. 33-54.
- Farsi. Hossein and Sadeghi Nejad. Ramin (2011). "A Study of Allegory and Its Functions in the Masnavi of Malek al-Shu'arabhar's Prison Work". *Quarterly Journal of Allegory Research in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Bushehr Branch*. Issue 49. pp. 91-107.
- Futouhi Rudmajani. Mahmoud (2007). *Rhetoric of Image*. Tehran: Sokhan, pp. 249.
- Qadamah bin Jafar. Abi al-Faraj (2021). *Poetry Criticism*. Translator: Ahmad Vafaei Basir. Tehran: Rozandish, p. 161.
- Kahdoui. Mohammad Kazem and others (2019). "Review and Analysis of the Functions of Allegory in Children's and Adolescent Poetry (1960s to 1980s)". *Specialized Quarterly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab)*. Year 12. Issue 1. Serial 43. pp. 163-180.
- Majd. Omid (2019). *Hamrahe Baran*. Tehran: Omid Majd Publishing House.
- _____ (2007). *Yadgare Bahar*. Tehran. Omid Majd Publishing House.
- Mahmoudi. Pegah (2022). "Artistic Subtleties and Wonders in the Illustration of Contemporary Ghazals Based on Imagery (Based on Baran's Ghazals of Omid Majd)". *Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics*. Volume 15. Serial 80. pp. 284-269.

Mortezaei. Javad (2011). *Allegory, Image or Creative Industry. Research in Persian Language and Literature. Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan. New Volume. No. 4. Serial 12. pp. 29-38.*

Rumi. Jalaluddin Muhammad Balkhi (2001). *The Complete Works of Shams Tabrizi. Edited by Badi'uz-Zaman Foruzanfar. 2 volumes. Tehran: Sales (Sana'i).*

فهرست منابع فارسی

- پورنامداریان. تقی (۱۳۷۵). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۱۱.
- جرجانی. عبدالقاهر (۱۳۷۴). اسرار البلاغه. ترجمه: جلیل تجلیل. تهران: مروارید.
- دهخدا. علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زرین‌کوب. عبدالحسین (۱۳۷۸). بحر در کوزه. چاپ هشتم. تهران: علمی، ص ۲۵۱.
- ساکي انتظامی. سعیده و دیگران (۱۳۹۹). «گسترده‌گی و گوناگونی تمثیل در مصیبت‌نامه عطار». ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال سیزدهم. شماره یازدهم. پیاپی ۵۷. صص ۱ - ۲۵.
- شامیان ساروکلایی. اکبر (۱۳۹۲). «آینه معنی: تمثیل در بلاغت فارسی و عربی». تهران: علمی و فرهنگی [نسخه الکترونیک کتاب در کتابخوان طاقچه]. صص ۱۴ - ۲۹ - ۳۰.
- شفیعی‌کدکنی. محمدرضا (۱۳۸۳). صور خیال در شعر فارسی. چاپ نهم. تهران: آگاه، صص ۷۸ - ۸۲.
- شمس قیس رازی (۱۳۹۴). المعجم فی معاییر الاشعار العجم. تهران: ذهن‌آویز، ص ۳۶۵.
- شیری. قهرمان (۱۳۸۹). «تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن». فصلنامه علمی - پژوهشی کاوش‌نامه. سال یازدهم. شماره ۱۱ (۲۰). صص ۳۳ - ۵۴.
- فارسی. حسین و صادقی نژاد. رامین (۱۴۰۰). «بررسی تشبیه تمثیل و کارکردهای آن در مثنوی کارنامه زندان ملک‌الشعرا بهار». فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. شماره چهل و نهم. صص ۹۱ - ۱۰۷.
- فتوحی رودمعجنی. محمود (۱۳۸۶). بلاغت تصویر. تهران: سخن، صص ۲۴۹.
- قدامه بن جعفر. ابی‌الفرج (۱۴۰۰). نقد الشعر. مترجم: احمد وفایی بصیر. تهران: روزاندیش، ص ۱۶۱.
- کهدویی. محمّدکاظم و دیگران (۱۳۹۸). «بررسی و تحلیل کارکردهای تمثیل در شعر کودک و نوجوان (دهه شصت تا هشتاد)». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال دوازدهم. شماره اول. پیاپی ۴۳. صص ۱۶۳ - ۱۸۰.
- مجد. امید (۱۳۸۶). یادگار بهار. تهران: نشر امید مجد.
- _____ (۱۳۹۹). همراه باران. تهران: نشر امید مجد.
- محمودی. پگاه (۱۴۰۱). «ظرافتها و شگفتیهای هنری در تصویرسازی غزل معاصر بر پایه تداعی تصویر (با تکیه بر دفتر باران غزلیات امید مجد)». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی. دوره ۱۵. پیاپی ۸۰. صص ۲۸۴-۲۶۹.
- مرتضایی. جواد (۱۳۹۰). تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی. پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره جدید. شماره ۴. پیاپی ۱۲. صص ۲۹ - ۳۸.

مولانا. جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۰). کلیات شمس تبریزی. به کوشش بدیع الزمان فروزانفر. ۲ جلد. تهران: ثالث (سنایی).

معرفی نویسنده

کامران کسائی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: zi.azhir@iau.ac.ir)

(ORCID: [0000-0003-3997-8957](https://orcid.org/0000-0003-3997-8957))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Kamran Kasaei: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: zi.azhir@iau.ac.ir)

(ORCID: [0000-0003-3997-8957](https://orcid.org/0000-0003-3997-8957))